۶۷۴۴ پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳ ■ ۹ شوال ۱۴۴۵

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه

«جام جم» از آخرین وضعیت تولید سریال داوود میرباقری گزارش می‌دهد

بازگشت سلمان فارسی به تهران

صفحه ۷

در گفت‌وگوی «جام جم» با ۲ سینماگر مقاومت بررسی شد

قدرت روشنگری آثار هنری علیه اسرائیل

۱۰

نگاهی به فضاها و عناصر زیبایی‌شناسانه میدان ریگستان، قلب سمرقند افسانه‌ای

جادوی شرق در سمرقند

۸

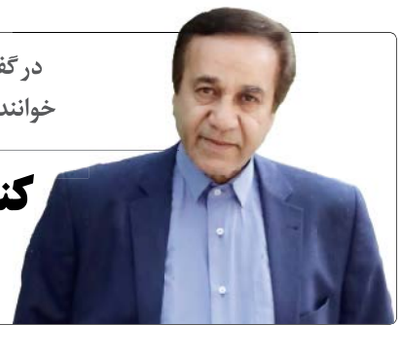

در گفت‌وگوی «جام جم» با محمد گلریز خواننده موسیقی اصیل ایرانی تشریح شد

کنسرت‌ها در انحصار مافیای موسیقی

۱۱

زاویه دید

محمد حسین الوند
نویسنده و منتقد

سر بریده اسب در رختخواب صهیونیسم

سر بریده شده اسب فیلم پدر خوانده در مجموعه توماس هاتچینسون

شمارش معکوس چراغ قرمز هم‌نهشتی جذابی با آنچه در عمیق‌ترین لایه‌های درون صهیونیست‌ها در جریان است دارد. وقتی آدرنالین با توحشی افسارگسیخته به تمام آنچه هست و نیست رسوخ می‌کند، حسی توامان از بی‌پناهی و افتادن در چاله رویارویی و عرق سردی که ناگهان بر پیشانی می‌نشیند، پاسخ‌ها به این عکس‌العمل هیجانی در افراد متفاوت است اما بیشترین احتمال در آمار متعلق به بازگشایی عمیق‌ترین لایه‌های ترس در روان ناخودآگاه و شروع گمانه‌زنی‌های وسواس‌گونه است. این همان اتفاقی‌ست که میدان جنگ می‌تواند بر سر یک فرد ترسیده و شوکه شده بیاورد، باورتان بشود یا نه ترس عمیق بو دارد، رایحه‌ای تند و فراگیر که می‌شود آن را از کیلومترها آن طرف‌تر فهمید، فاصله‌ای به قدر پشت یک چراغ قرمز در تهران آرام تا هیاهو و ولوله‌های کف تل‌آویو... ساعت قرمز رنگ روی داشبورد خودرو ۲ و ۴۳ دقیقه را نشان می‌دهد از کنار پمپ بنزین می‌گذرم ۱۰ یا ۲۰ خودرو در صف ایستاده‌اند که بنظر برای این ساعت کمی بیش از حد انتظار است، کمی جلوتر کنار می‌روم تا چای لیوانی سفارش بدهم. سری که به اینترنت می‌زنم چیزهای خنده‌داری می‌بینم.

رسانه، رسانه و رسانه!

شبکه‌های معلوم‌الحال و دوغ‌آبی طبق معمول بازی‌های ژورنالیستی زرد چند جمله را تیتر اصلی خود کرده‌اند و علاوه بر روان نوشته کردن آن در تصویر تقریبا هر ۳۰ ثانیه یک بار این جملات که نقشی تاکیدی و القایی دارند را تکرار می‌کنند. روند داستان قرار است جوری پیش برود که تاکید بر مفهوم حمله همه جانبه و مستقیم ایران علیه خاک اسرائیل در ذهن مخاطب جوری جلوه کند که انگار جمهوری اسلامی خودش را در دامی انداخته که حالا همه چیز در خطر است و هیچ راه برگشتی هم وجود ندارد. انگار نه انگار که این تل‌آویو است که تا چند دقیقه دیگر باید رد آتش ایران بر آسمان اشغالی‌اش را در انتظاری مرگبار به نظاره بنشیند. در جملات دیگر این رسانه تاکید بر هرج و مرج و ترس مردم ایران از تلافی اسرائیل مد نظر است. چند ویدئوی مبهم با تیتر حمله مردم به پمپ بنزین‌ها نشان داده می‌شود و بعد آنهایی که به نام مردم حمایت خود از رژیم صهیونیستی را اعلام می‌کنند جوری تیتر هارد و بدل می‌شود که چند صدم ثانیه هم که شده حس می‌کنی ایران یا تهرانی که آنها نشان می‌دهند شاید در جهانی موازی با آن چیزی که همین حالا تو و هموطن‌هایت تجربه می‌کنی قرار دارد؛ یعنی تهران آنها با تهرانی که همین حالا در آن چای گرم و آرامم را نوشیدم شاید قدر یک تهران تا تل‌آویو توفیر دارد.

همچنان گزافه‌گویی ادامه دارد

بعد از تماس یکی از دوستان و شنیدن خبر موثق چندین اصابت و انتساب نمره موفقیت عملیات هشدار در خاک‌های اشغالی و علیه رژیم صهیونیستی به بیش از حد انتظار و حد تقریبی کمال همچنان می‌توانم ببینم که این غول بی‌شاخ و دم رسانه یعنی رژیم صهیونیستی و متحدانش از گزافه‌گویی دست بر نمی‌دارند.

هیچ اصابتی در کار نبوده!

رژیم صهیونیستی در ساعات اولیه همچنان سعی در تاکید بر این نکته داشت که تمام آتش ایران علیه ما توسط پدافند رهگیری و منهدم شد و اصطلاحا آتش تنها در آسمان جریان یافت. در ساعات بعدی و با ترفند معکوس با آنچه در ابتدا در پیش گرفته بود با تیترهای غیرمستقیم و در جهت بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه اتفاق افتاده اذعان کردند که اصابت بوده اما خسارت چندانی را به جای نگذاشته، بعدها در تیتری جالب‌تر اعلام کردند که تنها خسارت جانی این حمله یک دختربچه بادیه‌نشین بوده است! اقرارهایی خنده‌دار و متناقض که نشان از همان خط مشی نقاشی کشیدن نتانیاهو و استعداد کم نظیر صهیونیست‌ها در ایجاد کمدی‌های دست چندم دارد.

رسانه و نیروهای مسلح ایران

واقعیت این است که از ابتدای انقلاب تاکنون سیاست نظام و نیروهای مسلح در قبال رسانه و رسانه‌ای شدن اقدامات امری کاملا محتاطانه و حفاظت‌شده است، یعنی همان چیزی که از یک بازوی فعال و قهریه عظیم انتظار می‌رود، دوری از پروپاگاندای رسانه نظامی یا نظامی کردن رسانه در جهت القای توانایی‌ها و ابراز دستاوردها امری بود که نظام از ابتدا به علت عدم بهره‌مندی از زمان و تمرکز لازم برای سرمایه‌گذاری و ایجاد بوطیقای کلی آن تصمیم گرفت در آن پای نگذارد، کشوری که در جریان بازپس‌گیری جریآن قدرت و درگیری در جنگ هشت ساله و نیاز به تمرکز و هزینه‌کرد در مباحث عملی جنگ و امنیت عملا فرصتی برای تبیین سیاست‌ها و زیرساخت‌های رسانه نظامی به معنای ایجاد و استفاده از پروپاگاندا در خدمت تبلیغ و اشاعه فعالیت‌ها و دستاوردها نداشت؛ چیزی که به‌رغم مظلومیت نیروهای مسلح مقتدر کشورمان یک ضرورت دیگر نیز داشت و دارد و آن اصل چراغ خاموشی است.

میدان، رسانه برنمی‌دارد

جمهوری اسلامی ایران به علت حضور نظامی فعال و نفوذ عملیاتی گسترده در جای جای خاورمیانه و نقاط دیگر جهان به عنوان کشوری با ایدیولوژی شیعی اسلامی و ضد استعماری که همیشه در تقابل مستقیم با جهان سلطه‌گر غرب عمل کرده است لازم بود به دور از هرگونه اشاعه، ترویج، القا یا درز اطلاعات در خفا توانایی بالقوه عملیاتی خود را توسعه دهد و این چیزی نیست که با رسانه در موازات باشد. لذا خود صهیونیست‌ها و متحدان‌شان نیز که سال‌ها دم از اشراف اطلاعاتی بر ایران می‌زدند پس از حمله ایران بر این نکته اذعان کردند که از توان ایران برآورد درستی نداشتند، به قولی بساط دوربین و میکروفن غرب که سال‌ها در جهت خبره نشان دادن نیروهای غرب و تحقیر توان اطلاعاتی نظامی ایران هزینه می‌کرد یک‌بار برای همیشه در افکار عمومی دستش رو شد که به هیچ عنوان درک درستی از ایران و اقدامات آن در خاورمیانه ندارد، به قولی مهم‌ترین ماحصل آتش ایران بر آسمان اشغالی این بود که در میدان جنگ رسانه به کار نمی‌آید بلکه گلوله است که سخن می‌گوید.

حرکت ناگهانی ممنوع!

قلدری اسرائیل، سکوت و حمایت‌های غرب حتی لحظه‌ای پس از حمله ایران ادامه نداشت، مطالعه سیاست‌ها و دکترین غرب در قبال خاورمیانه اثبات می‌کند غرب همیشه با روش آزمون و خطا و احتیاط عدم قطعیت دست به ارسال سیاست‌ها می‌زند و این همان چیزی بود که در جریان یکه‌تازی اسرائیل در غزه نیز ادامه داشت. در یک طرف میدان، غرب بدون چراغ سبز را داشتیم که البته از حمایت اسرائیل دریغ نمی‌کرد اما حمایت خود را در جهت جنایات هم علنی نمی‌کرد، در طرف دیگر اسرائیل که با اعتماد به نفس پولادین و دروغ‌های معمول رسانه‌ی نظامی‌اش، درگیر جنگ با مقاومت شده بود و از هیچ روشی برای پیروزی دریغ نمی‌کرد و در سمت دیگر شورای پشت پرده سیاست بازی‌های غرب که شبانه‌روز در رهگیری فعالیت‌ها و اقدامات ایران سعی در پیش‌بینی نقشه نسل‌کشی‌های غزه داشت.

تاکید و هشدار رهبری؛ چیزی که نباید نادیده گرفته می‌شد

تاکید چندین‌باره رهبر انقلاب بر سعه‌صدر ایران و هشدار به غربی‌ها چیزی بود که آنها سعی بر انکار آن داشتند تا جایی که آخرین مهره خود را بازی کردند و آن تخریب کنسولگری ما در سوریه و ترور فرماندهان ارشد بود. شورای سیاست بازی غرب این‌بار نظاره‌گر بود و منتظر سرنخی از آنچه قرار است اتفاق بیفتد که ایران در اقدامی کاملا روشن و به دور از هرگونه واهمه‌ای اعلام کرد قرار است در دفاع از تمامیت خود، گوش اسرائیل را بپیچاند.

تیغ داوود بر گلوگاه جالوت

اعلام و اقدامی که هنوز برای غربی‌ها در هاله‌ای از ابهام بود تنها در چند دقیقه عملا تیغ داوودی شد بر گلوگاه جالوت غرب و رسانه نظامی‌اش، سال‌ها دروغ و دوغ و دوشابی که از اشراف اطلاعاتی و گنبد آهنین در گوش‌ها خوانده بودند با یک انگشت اشاره ایران به صورت اسراییل، در هم شکست و ناگهان اسراییل یکه‌تاز به اسراییل مضروبی مبدل شد که حالا در شورای امنیت سازمان ملل داد، دادخواهی سر می‌دهد و دنبال جلب نظر متحدانش می‌گردد. هیبتی پوشالی که ناگهان در هم فروریخت و متحدانی که امروز همه را به خویشتنداری دعوت می‌کنند. در اصل، اسراییلی که تا دیروز عربده‌کش میدان بود، امروز رنجور نحیفی‌ست که در برابر هر حرکت ناگهانی در اطراف خود جان از ستیغش برون می‌تابد!

سر اسب یا مسلسل تامپسون؟

غرب و صهیون‌ها ابتدا به تمسخر حمله پرداختند بعدها برای آن‌که آبروی گنبدشان را بخرند، گفتند حمله همه‌جانبه بوده و تمام و کمال!! اما جمهوری اسلامی به وضوح در کلام و عمل اعلام کرد که این دفاع تنها در جهت هشدار اولیه انجام شده نه هیچ چیز دیگر؛ اهالی فن می‌دانند که کلاهک‌های استفاده شده در موشک‌های ایران از نوع ظرفیت بالای این موشک‌ها نبود وگرنه حتی انهدام آنها توسط سامانه پیکان اسراییل در آسمان سرزمین اشغالی و ایجاد انفجار خطی آنها می‌توانست برای اسرائیلی‌ها گران تمام شود چه برسد به اصابت مستقیم‌شان بر خاک!

در حقیقت ایران سر بریده اسب را در رختخواب گرم و نرم صهیونیست‌ها گذاشت و پیامش را به خوبی به آنها مخابره کرد و اسرائیلی‌ها هم خواستند رد زردنقش بسته بر پیژامه‌شان را به گلوله‌باران مسلسل تامپسون نسبت دهند!

راه‌حل نهایی؛ باز هم خرابکاری و تحریم!

در معادلات جدید، غرب و اشغالگران صهیونیستی خواهند کوشید با نشست‌های اضطراری پشت پرده تغییری اساسی در سیاست‌های اتخاذی خود در قبال شناخت جمهوری اسلامی ایجاد کنند؛ نشست‌هایی با محوریت میدان و شاید بیشتر فاصله گرفته از فعالیت‌های اندیشکده‌ای غرب، فعالیت‌هایی از جنس چگونگی رسیدن به اطلاعاتی دقیق‌تر و منسجم‌تر راجع به توان حقیقی و فعالیت‌های نظامی ایران در خاورمیانه، نشست‌هایی که انتظار می‌رود ماحصل آنها رسیدن به نقشه راهی حاوی اقدامات کمتر مستقیم و بیشتر خرابکارانه و محدودکننده از جنس اجتماعی و اقتصادی علیه ما باشد، جایی که غرب نشسته بر ویرانه‌های قدرت نرم و ناتوان از قدرت سخت باید به فکر چاره‌ای جدید باشد.

برش

معادلات جدید به کجا می رسید؟

رژیم صهیونیستی به‌عنوان رژیمی توهم‌زده که الهامات خود را از موهومات باستانی و نقل‌های سینه به سینه گرفته، رژیمی‌است که عملکردهای ضاله از خود بروز داده و می‌دهد؛ اشغال به بهانه بازگشت به سرزمین موعود، نسل‌کشی به بهانه برتری نسل خود بر خون‌های دیگر، اعتقاد به فرمانروایی شاخه انحرافی یهود و استفاده از فعالیت‌های غیرارگانیک و توسعه شاخه دانش‌های غیرعینی بر پایه سحر و ارتباطات شیطانی و کینه‌ورزی‌های باستانی، بالاخص نسبت به ایرانیان و شیعیان امری‌است که بر تمام جهان براساس مستندات عام و خاص و اقرارات خود صهیونیست‌ها مبرهن است. رژیمی که سخن از جهان آزاد امروز می‌زند اما خود و فعالیت‌هایش رنگ و بوی سری‌های ایندیاناجونز و هری‌پاتر برخاسته از گور می‌دهد، رژیمی که تا امروز از هیچ‌گونه جنایت جنگی و نقض آشکار حقوق بین‌الملل دریغ نکرده و در سایه حمایت‌های متحدان خود و سلطه بر جریان سرمایه و رسانه در جهان از طریق پیوندهای هم‌کیشی سعی در پیشبرد برنامه‌های خود دارد اما همان‌طور که گفته شد اقدامات و توانایی‌های ایران اسلامی و کوری دید غرب و صهیونیست‌ها به رغم جریان‌های نفوذ خود نسبت به این پتانسیل‌ها امری بود که همیشه مشکلی جدی محسوب می‌شد و آنها در آخرین تلاش خود دست به محک زدن ما کردند؛ تلاشی که برخلاف تمام گمانه‌زنی‌ها به سنگی سخت برخورد که ماحصلش عقب‌نشینی غربی‌ها و زرد شدن چهره صهیونیست‌ها بود، مواردی که در خطابه دقیق و روشن نماینده ایران در سازمان ملل به خوبی خود را نشان داد؛ خطابه‌ای از سوی کشوری در جایگاه برتر عملیاتی در مقابل سخنان بی‌پایه و اساس نمایندگان آمریکا و رژیم اشغالگر که با لحن عصبی و زبان بدنی متأثر از جایگاه متزلزل‌شان بود.